

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته نوازندگی موسیقی ایرانی

عنوان

بازتاب وقایع مشروطه در تصانیف عارف قزوینی

استاد راهنمای نظری

دکتر حسین میثمی

عنوان بخش عملی

مرکب نوازی ساز نی با تأکید بر آواز دشتی

استاد راهنمای بخش عملی

دکتر محمدعلی کیانی نژاد

نگارش و تحقیق

امین سامی

تیر ۱۳۹۳

تعهد نامه

اینجانب اعلام می دارم که تمام فصل‌های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته‌ها، کتب، پایان‌نامه‌ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیرفارسی) با ذکر مآخذ کامل و به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوولیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

امضاء

تاریخ

این پژوهش را تقدیم می‌کنم به پدر و مادرم.

چکیده

دوره مشروطه به علت جریان‌ساز بودن در حیات سیاسی - اجتماعی پس از خود دوره‌ای حساس است. تغییرات انجام گرفته در این دوره در زمینه‌های مختلف روی داد. از جمله این تغییرات، تغییرات موسیقایی است و یکی از هنرمندان سهمیم در این زمینه عارف قزوینی است. او با ساخت و اجرای تصانیف‌اش توانست به مثابه شاعر و تصنیف‌سازی اثرگذار در جریان‌ات هنری و سیاسی دوره مشروطه مطرح شود. در این تحقیق سعی می‌شود در صورت اثرگذار بودن تحولات پیش‌آمده در هنر عارف نحوه تأثیرپذیری عارف از این تحولات بررسی شود. هدف از این پژوهش بررسی بازتاب وقایع مشروطه در تصانیف عارف قزوینی است. برای نزدیک شدن به این هدف دو فضای شعری و موسیقایی با هم مقایسه شد و در اثر این مقایسه و بررسی رابطه‌ی این دو فضا با اتفاقات اجتماعی-سیاسی پیش‌آمده در آن دوران همخوانی فضای شعری تصانیف با رخدادها و تضاد فضای موسیقایی تصانیف با وقایع پیش‌آمده‌ی آن دوران آشکار گردید اما تلفیق این دو فضای متفاوت توانست موجب دریافت ساده‌تر این تصانیف از سوی طیف مردم عادی شود.

کلیدواژه‌ها: عارف قزوینی، مشروطه، تصنیف، شعر، ساختار موسیقایی.

فهرست مطالب

بخش اول: کلیات تحقیق

۱	بیان موضوع
۱	اهداف تحقیق
۲	پرسش‌های تحقیق
۲	فرضیه‌های تحقیق
۲	مطالعات انجام شده
۳	روش تحقیق
۴	مقدمه

بخش دوم: مباحث اصلی

فصل اول

۱۰	۱.۱ تبیین شرایط سیاسی - اجتماعی عصر قاجار و مشروطه و تحولات ایجاد شده در این دوران
۱۵	۲.۱ تحولات شعر در دوران قاجار و مشروطه
۱۹	۳.۱ موسیقی قاجار

فصل دوم

۲۴	زندگی‌نامه عارف قزوینی و شرح رویدادهای
----	----------------------------------------

فصل سوم

۳۲	۱.۳ تحلیل تصنیف‌های عارف
۳۳	تصنیف دوم؛ شور
۳۵	تصنیف هفتم؛ دشتی
۳۷	تصنیف هشتم؛ ابوعطا

۳۹	تصنیف نهم؛ افشاری
۴۱	تصنیف سیزدهم؛ دشتی
۴۳	تصنیف شانزدهم؛ شهناز
۴۵	تصنیف بیست و دوم؛ دشتی
۴۷	تصنیف بیست و سوم؛ بیات اصفهان
۴۹	تصنیف بیست و چهارم؛ افشاری
۵۱	تصنیف بیست و هفتم؛ افشاری
۵۲	۲.۳ بررسی پیوند شعر و موسیقی و مقایسه

نتیجه گیری

۵۴

فهرست منابع

۵۷

پیوست ها

۵۸

۵۹	آوانگاری تصنیف دوم؛ شور
۶۱	آوانگاری تصنیف هفتم؛ دشتی
۶۳	آوانگاری تصنیف هشتم؛ ابوعطا
۶۵	آوانگاری تصنیف نهم؛ افشاری
۶۸	آوانگاری تصنیف سیزدهم؛ دشتی
۷۱	آوانگاری تصنیف شانزدهم؛ شهناز
۷۳	آوانگاری تصنیف بیست و دوم؛ دشتی
۷۵	آوانگاری تصنیف بیست و سوم؛ بیات اصفهان
۷۷	آوانگاری تصنیف بیست و چهارم؛ افشاری
۷۹	آوانگاری تصنیف بیست و هفتم؛ افشاری

بخش اول: کلیات تحقیق

بیان موضوع

دوره مشروطه در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران دوره‌ای است حساس و جریان‌ساز که روند حیات سیاسی - اجتماعی پس از خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این دوره جریان‌های هنری نیز در مواردی همراه با دیگر جریان‌های روشنفکری به طرح خواسته‌های خویش و ابراز همراهی با جنبش، در قالب ادبیات، موسیقی، نمایشنامه‌نویسی و ... پرداختند. در میان این جریان‌ها، عارف قزوینی با ساختن تصانیف و سرودن اشعار و اجرای کنسرت‌هایی با عنوان شاعری تصنیف‌ساز به بیان عقاید خویش راجع به مسائل و اتفاقات زمانه‌اش می‌پرداخت. تصانیف عارف به دلیل بیان محتواهای سیاسی در قالبی شاعرانه می‌تواند یک رویکرد نو به موسیقی ایران محسوب شود. اما بررسی این نوع نگاه به موسیقی ایران در قالبی به نام تصنیف و محتوایی که این تصانیف در خود دارند، اغلب به تحلیل مضامین شعری و در مواردی به بررسی ریتم‌های موجود در تصانیف می‌انجامد و دیگر ابعاد آن مورد غفلت واقع می‌شود. شناخت ساختار موسیقایی و قالب‌های شعری و پیوند میان آن‌ها و ارتباط آن‌ها با محتوای اثر از جمله کمبودهایی است که در تحلیل‌های انجام شده به چشم می‌خورد. در این تحقیق نگارنده تلاش می‌کند از یک سو با تبیین شرایط سیاسی - اجتماعی زمان عارف و رویدادهای این دوره از تاریخ ایران و از سوی دیگر با تحلیل وجوه موسیقایی و شاعرانه تصانیف به بررسی رابطه میان این دو بپردازد.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

بررسی بازتاب وقایع مشروطه در تصانیف عارف قزوینی.

اهداف فرعی:

- شناخت بیشتر از تحولات سیاسی - اجتماعی دوره مشروطه.

- شناخت جایگاه موسیقی و شعر در دوره قاجار و مشروطه.

- آشنایی با زندگی و احوال عارف.

- آشنایی با اتفاقاتی که عارف تحت تأثیر آن‌ها تصنیف ساخته است.

- تحلیل تصانیف عارف به لحاظ شاعرانگی، موسیقایی، پیوندهای شعر و موسیقی و محتوایی که این پیوندها در خود دارند.

- شناخت ارتباط بین محتوای تصانیف و اتفاقاتی که تصانیف تحت تأثیر آنها ساخته شده است.

پرسش‌های تحقیق

- ویژگی‌های حیات سیاسی - اجتماعی مشروطه بر نوع مضمون تصانیف عارف چه تأثیری داشته است؟

- این تأثیرات در دو فضای شعری و موسیقایی تصانیف چگونه نمایان شده است؟

فرضیه‌های تحقیق

- تأثیر ویژگی‌های ذکر شده باعث می‌شود این تصانیف دارای مضامین سیاسی - اجتماعی گردند.

- حضور این تأثیرات در شعر تصانیف آشکار است اما موسیقی تصانیف همان فضای موسیقایی گذشته را تداعی می‌کند.

مطالعات انجام شده

روح‌الله خالقی و حسن مشحون هر کدام در تاریخی موسیقی‌ای که گردآوردند به ثبت وقایع موسیقایی عارف و روزگار مشروطه پرداخته‌اند. اما این تاریخ‌ها فقط گردآوری و ثبت وقایع را دربر می‌گیرد. محمدعلی سپانلو در چهار شاعر آزادی به بررسی رویکرد سیاسی عارف می‌پردازد، اما این کتاب فاقد بررسی وجوه موسیقایی عارف است. فرامرز پایور در ردیف آوازی و تصنیف‌های قدیمی به روایت عبدالله دوامی به نت‌نگاری تصانیف و ثبت نوشته‌های عارف پرداخته است. ارشد تهماسبی در تصنیف‌های عارف، با استفاده از دست‌نوشته‌های عارف و روایت‌هایی از اجرای تصانیف، به نت‌نگاری تصانیف و ثبت تاریخ ساخت هر

تصنیف و یادداشت‌های عارف راجع به هر تصنیف می‌پردازد. در این کتاب، تصانیف فقط جمع‌آوری و آوانگاری شده‌اند. مهدی نورمحمدی در *دیوان عارف قزوینی و خاطرات عارف قزوینی* به گردآوری آنچه از عارف در قالب شعر، دست‌نوشته، زندگی‌نامه و یادداشت‌های پراکنده برجای مانده، پرداخته است. در این کتاب نیز مؤلف فقط به جمع‌آوری اسناد برجای مانده از زندگی عارف پرداخته است. ساسان فاطمی در *پیدایش موسیقی مردم‌پسند در ایران*، به تحلیل گونه‌های شعری و موسیقایی تصنیف می‌پردازد، اما در این کتاب ساختار مدال تصانیف مورد توجه قرار نگرفته است.

روش تحقیق

این پژوهش کیفی با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از تکنیک‌های کتابخانه‌ای و روش اسنادی تنظیم و تدوین شده است.

مقدمه

موسیقی در سرزمین ایران در طول حیات خویش در رزم و بزم، خانقاه و تکیه‌های تعزیه، دربار، مجالس خصوصی و دیگر اجتماعات انسان‌های این سرزمین بسته به عوامل مختلف امکان ظهور و بروز پیدا کرد و نوازندگان و خوانندگان در نقش‌های مختلف مثل خنیاگر، نقال، تعزیه‌خان، قوال، شاهنامه‌خان، عارف و ... به اجرای این فن در ژانرهای مختلف پرداختند.

با سپری کردن پستی و بلندی‌های بسیار در طول تاریخ پر فراز و نشیب موسیقی و جامعه ایرانی این موسیقی پا به عصر قاجار نهاد و در همین عصر بود که تحولات بسیاری که حاصل تغییرات سیاسی اجتماعی بود را در خود مشاهده کرد. این تغییرات در جامعه ایران به طور گسترده در فرایند ارتباط با غرب و تفکر غربی روی داد.

اما بازتابی این تحولات در موسیقی ایران به دو صورت انجام گرفت. صورت اول در ظواهر موسیقایی مثل ورود هارمونی، کتاب‌های آموزشی، مستشاران موسیقی‌دان و تعلیم دهنده شاگرد، استفاده از سازهای غربی و ... خود را نشان داد. در این مورد تحقیقات بسیاری انجام گرفته و نگارنده در این تحقیق قصد باز کردن این موضوع و تشریح آن را که کاری تکراری است ندارد.

اما صورت دوم تحولات در موسیقی که می‌توان آن را در آثار کسانی چون درویش‌خان و عارف قزوینی دید کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. اگر به تحقیقات انجام شده که به تحولات موسیقی در عهد قاجار و مشروطه اشاره دارند رجوع شود، خواهیم دید که محققان و نویسندگان این تغییرات را بیش‌تر در سازمان‌دهی آموزش، تولید موسیقی، اجرای موسیقی، استخدام معلمان غربی و امثال این اقدامات می‌بینند. اما صورت دیگر تحولات آن زمان و ظهور کسانی چون عارف این نگاه را تغییر می‌دهد و به غیر از غربی‌شدگان و وفاداران به سنت گروه سومی را که عارف قزوینی نیز در میان آن‌ها جای دارد به ما معرفی می‌کند.

شاید عارف در نگاه اول یک تصنیف‌ساز مانند بقیه همکیشان خویش به نظر برسد. اگر به کارنامه هنری او هم توجه شود از او دیوان شعر، نوشته‌ها و تصانیفی برجای مانده که می‌تواند در کارنامه هنرمندان قبل از او هم وجود داشته باشد. اما آیا شناخت عارف در همین حد کافی است؟

یک نگاه کوتاه به زندگی او و شناخت مختصر از وضعیت اجتماع پیرامون عارف به ما یادآوری می‌کند که شخصیت عارف فقط در چند تصنیف و شعر و نوشته خلاصه نمی‌شود. تحولاتی که از آن‌ها صحبت شد نیز در

همین جا معنا پیدا می‌کند و آن هم تغییر رویکرد تصنیف‌ساز به تصنیف و شعر و نحوه کاربرد آن است. در اینجا دیگر شعر و موسیقی و تصنیف معنا و کاربرد پیشین خود را ندارد. هنرمند برای آسایش شاه‌ساز نمی‌زند. اینجا زمان زمان آزادگی هنرمندی است که خود را صاحب اثری می‌بیند که با این اثر به بیان عقاید شخصی خویش می‌پردازد. در اینجا هنرمند صدایی می‌شنود و خود نیز به‌عنوان صدایی به دیگر صداها می‌پیوندد. این صدا که از دل کنش سیاسی اجتماع برون آمده است صدای انقلاب مشروطه ایران مردم ایران است.

این انقلاب انقلابی بود که عده زیادی از جمله عارف را به همراه خود در مسیر انتخاب شده قرار داد و متقابلاً انقلابیونی مانند عارف نیز تأثیر خود را بر مسیر و جهت حرکت اجتماع در حد توان خود تحمیل کردند.

در این تحقیق نگارنده سعی دارد تأثیر این انقلاب بر آثار عارف قزوینی را بررسی کند. برای رسیدن به این مقصود معرفی یک بستر اجتماعی همراه با تغییرات و تحولات انجام گرفته اجتناب ناپذیر می‌نمود. به همین منظور فصل اول به معرفی اجتماع، موسیقی و شعر قاجار و مقایسه آن با روزگار مشروطه و بررسی تغییرات انجام گرفته در این دوران اختصاص داده شده است. این سه موضوع (اجتماع، موسیقی، شعر) به‌رغم تفکیکی که برای بررسی آن‌ها در اینجا انجام گرفته است باز هم در هم تنیده و جداناپذیر می‌نمایند. البته این درهم‌تنیدگی نیز خود علت‌هایی دارد. از جمله این علت‌ها می‌تواند این مسئله باشد که همه این تغییرات تحت تأثیر ارتباط با غرب و تفکر و منش رایج در آن سرزمین‌ها بوده است. در آن دوران هرکس سعی می‌کرد که از ممالک غربی الگوبرداری کند و خواسته‌های خود را با آن تطبیق دهد و سپس به مطرح کردن آن‌ها بپردازد. هم اجتماع ایران این مسئله را پذیرفته بود، هم تعدادی از شاعران و هنرمندان و هم تصنیف‌سازی به نام عارف قزوینی. این خواسته‌ها در قالب کلماتی مانند آزادی، برابری، عدالتخانه، مجلس و مشروطه و ... بیان می‌شدند و هرکس بسته به توان خود به مطرح کردن آن‌ها می‌پرداخت. شاعر، تصنیف‌ساز، نویسنده و سایر روشن‌فکران همه در یک جهت و آن هم زنده نگه داشتن انقلاب و طرح خواسته‌ها به اظهار نظر در قالب‌های مختلف می‌پرداختند. در آن زمانه با وجود یک وضعیت انقلابی تخصص‌ها و تمایزها تحت تأثیر وضعیت موجود به چشم نمی‌آمدند و انقلابی شدن اجتماع و مردم از مطرح کردن هرچیز دیگری مهم‌تر می‌نمود.

اما در اینجا برای شناخت بیشتر موضوع در فصل اول سه موضوع موسیقی، شعر و وضعیت اجتماعی قاجار و مشروطه را به طور جداگانه بررسی می‌کنیم. هرچند نقاط اشتراک در تغییر وضعیت این سه موضوع زیاد است و تحول در هر سه موضوع از یک منبع آغاز می‌شود برای بدست آمدن شناخت بیشتر هر کدام به‌طور جداگانه و مفصل در فصل اول بررسی می‌شود.

برای بررسی این سه موضوع در فصل اول در مبحث ساختار اجتماعی از بین تاریخ‌های موجود از تاریخ کسروی که در آن به اتفاق‌های تاریخی روی داده در دوره مشروطه پرداخته شده و نیز *ایران بین دو انقلاب* و *تاریخ ایران نوین* (نوشته شده توسط یرواند آبراهامیان) که به‌طور تحلیلی گذار اجتماع از قاجار به مشروطه را بررسی کرده استفاده شده است. این سه منبع برای تبیین شرایط سیاسی - اجتماعی و تحولات آن در گذار از قاجار به مشروطه و علل این تحولات با ارائه داده‌های تاریخی و بررسی علل و عوامل رخدادها به شناخت بیش‌تر از ساختار اجتماعی - سیاسی جامعه ایران در این دو دوره کمک شایانی می‌کند.

در بخش بررسی وضعیت موسیقایی قاجار و مشروطه از منابع برجای مانده از خالقی و مشحون تحت عنوان کتاب‌های سرگذشت موسیقی ایران و تاریخ موسیقی ایران استفاده شده. این منابع به جهت ثبت وقایع موسیقایی و نیز توضیح وضعیت و اتفاق‌های پیش آمده در موسیقی قاجار و مشروطه منابع مناسبی به نظر می‌رسد.

در بررسی شعر آن زمان نیز از کتاب‌های تألیف شده توسط محمدرضا شفیعی کدکنی استفاده شده است. در این زمینه کتاب‌های *با چراغ و آینه*، *ادوار شعر فارسی* و *ادبیات فارسی* در نظر گرفته شده که در این کتاب‌ها کدکنی به بررسی ساختار و مضمون‌های اشعار قاجار و مشروطه و تحولات روی داده در این گذار تاریخی می‌پردازد. با اتمام فصل اول در واقع بستر اجتماعی که عارف بدان پای گذاشت معرفی می‌شود.

در فصل دوم مختصری از زندگی‌نامه عارف شرح داده می‌شود. این زندگی‌نامه که در آن وقایع و اتفاق‌های موثر بر عارف برای ساخت تصانیف نیز لحاظ شده، دارای چند ویژگی است. یکی از این ویژگی‌ها اشاره به اتفاق‌هایی است که در زندگی عارف افتاده که می‌تواند بیش‌تر و مفصل‌تر هم باشد؛ اما در اینجا منظور نگارنده ثبت و ضبط آثار و اتفاق‌های افتاده در زندگی عارف نبوده است. این فصل از این منظر می‌تواند به این تحقیق کمک کند که در اینجا با یک منش و روحیه انقلابی مواجه هستیم که سعی می‌کند تمام اتفاق‌ها را رقم بزند. برای نگارنده در اینجا مهم نیست که به چه میزان به توضیح ریزبینانه زندگی عارف بپردازد؛ بلکه این نکته در اینجا مهم می‌نماید که شخصیتی به نام عارف به مثابه یک تصنیف‌ساز در قیاس با هم‌کیشان خود در گذشته با مسئله حیاط هنری و سیاسی چه برخوردی داشته است. نگارنده در اینجا سعی می‌کند که نقاط تمایز عارف و گذشتگان عارف را در این زندگی‌نامه بیان کند بدین‌گونه که تفاوت‌های نگرش او با گذشتگان را در کمرنگ جلوه دادن نقاط تکراری زندگی او که در بسیاری از گذشتگان دیده می‌شود و نیز پررنگ جلوه دادن لحظه‌های شخصی که از عارف بر خلاف گذشتگان او یک کشش سیاسی می‌سازد و او را با دیگر هم‌کیشان جدا می‌کند نشان دهد. برای این موضوع نیز از منابع برجای مانده از مهدی نورمحمدی

استفاده شده است. فصل دوم با معرفی عارف و زندگی و اتفاقات پیش آمده در طول زندگی برای این تصنیف‌ساز به پایان می‌رسد.

در فصل سوم نگارنده به تحلیل موسیقایی و شعری آثار عارف می‌پردازد. برای این موضوع ده تصنیف از تصانیف عارف در نظر گرفته شده است. این ده تصنیف در ابتدا به لحاظ موسیقایی بررسی می‌شوند. برای این موضوع یک بند از ملودی تصنیف انتخاب شده است. ملودی‌ها در سه بخش مدال، ساختار موسیقایی و ساختار ریتمیک - متریک بررسی خواهند شد. این بررسی‌ها می‌تواند به شناخت بیش‌تر از وضعیت موسیقایی تصانیف عارف کمک کند.

پس از بدست آمدن شناختی نسبی از ساختار موسیقایی تصانیف به پیوندهای بین شعر و موسیقی پرداخته می‌شود. در اینجا قصد نگارنده این نیست که پیوندها از منظر بررسی تکنیک‌های پیوند شعر و موسیقی بررسی شود، بلکه با بدست دادن داده‌های مختلف راجع به شعر و شاعرانگی اشعار عارف و نیز بررسی موسیقایی تصانیف او در مورد چگونگی ادغام این دو فضای مختلف (شعر و موسیقی) و برخورد فضای جدید ایجاد شده با یک وضعیت انقلابی و ترکیب این دو فضا در ساختاری به نام تصنیف سعی می‌شود از رویکرد هنرمند به مقوله هنر شناخت بیش‌تری به دست دهد. این نکته نیز جای بررسی دارد که چگونه عارف از شعر و موسیقی موجود در گذشته استفاده کرده و تحت تأثیر شرایط سیاسی - اجتماعی دوران تصانیف سیاسی - اجتماعی و اعتراضی‌اش را ساخته است.

با نگاه به وضعیت سیاسی و اجتماعی دوران مشروطه و نیز رویکرد شاعران به شعر می‌توان راجع به موسیقی عارف و تغییر و تحولات پیش آمده در رویکرد این تصنیف‌ساز بیشتر سخن گفت. بی‌شک هنر عارف با اجتماع پیرامونش رابطه‌ای دوسویه را برقرار کرده که در این تحقیق سعی می‌شود از جزئیات این رابطه شناخت بیش‌تری به دست آید.

بخش دوم: مباحث اصلی

◀ فصل اول

- تبیین شرایط سیاسی - اجتماعی عصر قاجار و مشروطه و تحولات ایجاد شده در این دوران.
- تحولات شعر در دوران قاجار و مشروطه.
- موسیقی قاجار.

۱.۱ تبیین شرایط سیاسی - اجتماعی عصر قاجار و مشروطه و تحولات ایجاد شده در این دوران

«ایل قاجار کنفدراسیون ایلی ترک زبانی بود که کشور را طی دهه ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۹ خورشیدی ۱۷۸۰ تا ۱۷۹۰ میلادی ذره ذره فتح کرد، پایتخت خود را ۱۱۶۵ خورشیدی و ۱۷۸۶ میلادی در تهران برپا ساخت و بیش از یک قرن در ایران حکم راند» (آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۲۸).

حکومت پادشاهان قاجار بر ایران با نوع ساختار اجتماعی جامعه ایران در ارتباط بود. مردم ساکن در ایران به گروه‌هایی تقسیم می‌شدند، هر گروه برای خود منافع تعریف می‌کرد که این منافع باید در نبردهای بین گروه و گروه‌های دیگر حفظ می‌شد. گاه این نبردها به دعوای بزرگ می‌انجامید و در نهایت با پادرمیانی ریش‌سفیدان ختم به آشتی و صلح و یا به باقی ماندن خصومت در بین طرفین دعوا می‌شد. اما شکل‌گیری این گروه‌ها به دلایل و طرق مختلفی صورت می‌گرفت. از جمله این دلایل تفاوت‌های قومی - قبیله‌ای، تفاوت‌های مذهبی، تفاوت‌های زبانی و ... بود.

نبرد حیدری و نعمتی، شیعه و سنی، قبیله‌ها و ایل‌ها با همسایه خود و نیز در شهرها محله‌ای با محله دیگر خود گواه محکم بودن پیوندهای گروهی و نبود طبقات اجتماعی - سیاسی در روزگار قاجار است. یرواند آبراهامیان با معرفی پیوندهای گروهی با عنوان پیوندهای عمودی و نیز شکل‌گیری طبقات اجتماعی - سیاسی با عنوان طبقات افقی این نکته را یادآور می‌شود که پیوندهای بین گروه‌ها و علایق گروهی در روزگار قاجار آن‌چنان محکم بود که توانست از شکل‌گیری طبقات اجتماعی - سیاسی جلوگیری کند.

«مادام که حکومت مرکزی با نیروهایی فراگیر در سطح کشور مواجه نبود سلسله قاجار می‌توانست با همان شیوه استبداد شرقی به اصطلاح خود آن عصر، بر جامعه مسلط باشد» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۳).

در واقع این علایق گروهی دست حکومت را باز می‌گذاشت تا بتواند با ایجاد تفرقه و دعوا بین گروه‌های مختلف جلوی اعتراضات سراسری و شورش‌های گسترده را بگیرد. این حکومت خودکامه به واسطه عواملی با یک انقلاب در سطح اجتماع و حکومت مواجه شد. انقلابی که تحولات اجتماعی - سیاسی، معرفی روشنفکران، ظهور مفاهیم جدید، آرزوهای جدید و نیز درخواست دخالت در تعیین مسیر حرکت جامعه توسط توده به پاخاسته را در بر داشت. در این میان یک عامل مهم در شروع و ادامه این رخداد در حال وقوع تأثیر بسزایی داشت و آن «تأثیر غرب» است.

آبراهامیان در کتاب *ایران بین دو انقلاب* می‌نویسد:

«تأثیر غرب طی نیمه دوم قرن سیزدهم از دو طریق جداگانه به رابطه سست دولت قاجار و جامعه ایران خلل وارد کرد. نخست نفوذ غرب، به ویژه نفوذ اقتصادی‌اش بازار را تهدید کرد و از این رهگذر به تدریج علایق تجاری مناطق پراکنده را واداشت تا در یک طبقه متوسط فرامنطقه‌ای که برای نخستین بار به نارضایی مشترک خویش آگاه بود فراهم آیند. این طبقه متوسط متمول به سبب وابستگی‌هایش به اقتصاد سنتی و اعتقاد شیعی سنتی، در سال‌های بعد به طبقه متوسط سنتی موسوم شد. دوم، تماس با غرب، به‌ویژه تماس عقیدتی از طریق نهادهای نوین آموزشی، مفاهیم جدید، آرزوهای جدید، مشاغل جدید و مآلاً طبقه متوسط شغلی جدید موسوم به روشنفکران پدید آورد» (همان، ۶۶).

این روشنفکران مفاهیم جدید آزادی، برابری، دموکراتیک، میهن‌پرستانه و ... را به‌مثابه مفاهیم رادیکال با خواسته‌های خود مطرح کردند. همبستگی‌ای که بین این مفاهیم رادیکال و عقاید شیعی ضد دولتی طبقه متوسط به وجود آمد به پیروزی انقلاب در سال‌های ۱۲۸۴ - ۱۲۸۸ ش کمک کرد. شکل‌گیری این توده روشنفکر در سال‌های واپسین حکومت ناصرالدین شاه اتفاق افتاد. کسروی در تاریخ مشروطه می‌نویسد:

«فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه بی‌آن‌که رفتار خود را دیگر کنند پی هم آمدند و رفتند و مردم نیز چشم‌بسته زیر دست آن‌ها روز گزارند و تنها در سال‌های بازپسین ناصرالدین بود که اندک تکان و بیداری در توده پدیدار گردید» (کسروی، ۱۳۸۸: ۱۰).

کسروی همچنین از میرزا ابوالقاسم قائم مقام، امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار به‌مثابه افراد کاردان حکومت قاجار یاد می‌کند که هر کدام به‌نحوی در جهت سر و سامان دادن به امورات کشور بر آمدند؛ اما حرکت آن‌ها در اثر بی‌توجهی‌های حکومت و مردم ناقص و کم‌تأثیر ماند. نیز افرادی مانند سید جمال‌الدین و میرزا ملکم خان از تأثیرگذاران در ترویج افکار نو بودند.

اما آغاز این جنبش و اتفاق‌هایی که موجب شکل‌گیری انقلاب شد را می‌توان در دی‌ماه ۱۲۷۰ ش جستجو کرد. ماجرای تنباکو و امتیازی که به یک فرد انگلیسی داده شده بود مردم را در جهت لغو آن و جلوگیری از باز شدن بیشتر پای بیگانه به مملکت برانگیخت. ابتدا نامه‌نگاری‌هایی به شاه صورت گرفت. اعتراضات در تبریز، اصفهان و تهران انجام شد و چون کار پیش نرفت میرزای شیرازی فتوا بر حرام بودن قلیان و چپق داد. اما حکومت که نمی‌توانست این قیام و اعتراض را تحمل کند، دست خود را به سمت میرزای آشتیانی دراز کرد. او نیز درخواست حکومت را رد کرده و به حمایت از حرکت مردم برخاست. در

اثر حمایت مردم از آشتیانی نهایتاً کار به خشونت و نبرد حکومت و مردم انجامید که در این دعوا هفت تن از مردم کشته شدند. این قیام موجب لغو امتیاز شد و خود توانست آغاز یک جنبش و در نهایت انقلاب در ایران شود (همان: ۲۰-۲۳).

اعتراضات بدین گونه شکل گرفته علل و عوامل دیگری داشت. از جمله شکست‌های نظامی.

«شکست‌های نظامی به اعطای امتیازهای دیپلماتیک انجامید؛ امتیازهای دیپلماتیک کاپیتولاسیون‌های تجاری به بار آورد؛ کاپیتولاسیون‌های تجاری راه نفوذ اقتصادی را هموار کرد و نفوذ اقتصادی با متزلزل کردن صنایع بومی اختلافات اجتماعی شدیدی پدید آورد» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۸).

اما حکومت برای تقویت قوای نظامی دو برنامه نوسازی را در پیش گرفت. اما هدف تجهیز نظام و مردم برای مقابله با غربیان نبود، بلکه حکومت از تجهیزات در جهت بیشتر کردن قدرت خود در مقابل مردم استفاده کرد. برای مثال، بعد از ماجرای تنباکو که بر اثر بی‌کفایتی حکومت شکل گرفت ناصرالدین شاه همه را از چشم نو سازی‌های جدید و عواملی که در آگاه شدن مردم دخیل بودند می‌دید. آبراهامیان در *ایران بین دو انقلاب* می‌نویسد:

«پس از نهضت تنباکو ناصرالدین شاه به سرکوب سیاسی بیشتر روی آورد و نوآوری‌های خطرناک را کنار گذاشت. تقریباً امتیازی واگذار نکرد؛ به توسعه دارالفنون خاتمه داد، تأسیس مدارس جدید را ممنوع ساخت و هنگامی که جماعت متعصب مذهبی مدرسه جدیدی را در تبریز به آتش کشیدند چشم بر هم نهاد، اختر و قانون را غیر قانونی اعلام کرد، از ورود انتشارات مربوط به دنیای خارج ممانعت کرد و ...» (همان: ۶۷).

اما مظفرالدین شاه به شیوه ناصرالدین شاه عمل نکرد. در زمان او دوباره مجامع فرهنگی - آموزشی و تجاری رونق گرفت. قشر روشنفکر نیز به واسطه این رونق توانست دوباره به فعالیت‌های خود ادامه دهد. سازمان‌های نیمه مخفی در همین زمان شکل گرفت. مرکز غیبی؛ حزب اجتماع‌یون عامیون؛ جامع آدمیت؛ کمیته انقلابی و انجمن مخفی از جمله سازمان‌های تشکیل شده در آن زمان هستند (همان، ۷۰).

اما ادامه پیدا کردن نابسامانی‌ها و بی‌توجهی حکومت به این مسئله باعث شد قشر روشنفکر که اکنون رسانه‌های مختلفی نیز در دست داشت به نشر عقاید و دیدگاه‌های خود بپردازد و در نتیجه این نشر افکار و فشارهای اقتصادی جنبشی عظیم و سراسری شکل بگیرد.

آخرین اعتراضات برای گرفتن امضای مشروطه از شاه بین خرداد ۱۲۸۴ تا مرداد ۱۲۸۵ از سوی طبقه